

گسترش یک مقیاس برای اندازه‌گیری هویت من

Developing a Scale for Measuring Ego Identity

Mohammad Taghi Delkhamoush

Azad University
Tehran, South Branch

محمد تقی دلخמוש

مریی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

Abstract

The development of a valid and reliable ego identity scale which takes into account the cultural characteristics of the Iranian society is a fundamental matter. To develop such scale, 442 female (N = 249) and male (N = 193) university students were administrated a researcher-devised questionnaire, originating from Objective Measure of Ego Identity Status (Adams, Bennion & Hugh, 1989, Adams, 1998). The structure and content of scale were analyzed, using the Smallest Space Analysis (SSA) technique. Internal consistency was assessed by Cronbach's alpha coefficient. Findings suggest the accuracy of four identity statuses of the questionnaire (achieved, moratorium, foreclosed and diffused) derived through internal consistency (alpha coefficients ranged from 0.77 to 0.85), and the reliability of Marcia's theoretical model (1966) of ego identity (exploration and commitment) for measurement in Iranian culture. Content and structural analysis of ego identity made possible the identification of all above mentioned status of ego and showed that the constituted areas of identity status were clearly distinguishable. Data suggest that the developed scale of Ego Identity Measurement can be a reliable instrument for measuring ego identity in both genders.

Key words: ego identity, student, gender, reliability, validity, smallest space analysis.

Contact information : delkhamoush@azad.ac.ir

چکیده

گسترش یک مقیاس اندازه‌گیری روا و معتبر هویت من با توجه به ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایرانی مسئله‌ای اساسی است. برای تدارک چنین مقیاسی ۴۴۲ دانشجوی (۱۹۳ مرد و ۲۴۹ زن) با مقیاس محقق ساخته «اندازه‌گیری هویت من» (EIM) (ملهم از «مقیاس عینی پایگاه هویت من»، آدامز، بنیون، و هاه، ۱۹۸۹، آدامز، ۱۹۹۸) ارزیابی شدند. ساختار و محتوای مقیاس با استفاده از فن تحلیل کوچکترین فضا (SSA) تحلیل شد. برآورد هماهنگی درونی مقیاس از طریق آلفای کرونباخ صورت گرفت. یافته‌ها نشان دادند که: هماهنگی درونی هر ۴ پایگاه هویت (موفق، معوق، تحمیل شده و پراکنده) از دقت کافی برخوردارند (ضرایب آلفا برای ۴ پایگاه از ۰/۷۶ تا ۰/۸۵) و الگوی نظری مارسیا (۱۹۶۶) در زمینه هویت من (اکتشاف و تعهد) برای اندازه‌گیری در فرهنگ ایرانی از روایی برخوردار است. تحلیل محتوا و ساختار مقیاس هویت من نیز شناسایی هر چهار پایگاه هویت را امکانپذیر کرد و نشان داد که نواحی تشکیل‌دهنده پایگاه‌های هویت به وضوح متمایزند و مقیاس تدوین شده برای اندازه‌گیری هویت من در هر دو جنس معتبر است.

واژه‌های کلیدی: هویت من، دانشجوی، جنس، اعتبار، روایی، تحلیل کوچکترین فضا.

received : 24 July 2008

دریافت : ۸۷/۵/۳

accepted : 5 Oct 2008

پذیرش : ۸۷/۷/۱۴

این پژوهش با استفاده از اعتبار معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به انجام رسیده است.

مقدمه

بافتار اجتماعی بر ماهیت و پیامد شکل‌گیری هویت جوانان تأثیر عظیمی دارد و برحسب آنکه کدام یک از هویتها در یک جامعه معین، واجد اصالت شناخته شوند، جریان تحول هویت در فرهنگهای مختلف و زیر فرهنگهای درون یک جامعه و در خلال اعصار تاریخی، متفاوت خواهد بود (کروگر، ۱۹۹۳).

به اعتقاد اریکسن، استقرار احساس هویت، پیشرفتی است که هشیارانه احساس می‌شود و فرایندی طولانی است: احساس هویت هرگز یکبار برای همیشه به دست نمی‌آید و حفظ نمی‌شود (اریکسن، ۱۹۵۹). با وجود این، در نهایت، بحران هویت نوجوانی، هنگامی که با موفقیت انحلال یابد، در سلسله تعهدهای بنیادی زندگی حرفه‌ای، ایدئولوژیکی، اجتماعی، مذهبی، قومی و جنسی، به اوج می‌رسد (بورنه^۱، ۱۹۷۸ نقل از اشتین‌برگ، ۱۹۹۹).

در روی آورد مارسیا (۱۹۶۶، ۱۹۹۳)، شکل‌گیری هویت، براساس میزان تعهد افراد و فرایند جستجوی مداوم آنها، چهار پایگاه^۲ هویت مشخص شده است: هویت موفق^۳ (حضور تعهد^۴ و حضور اکتشاف^۵)، هویت معوق^۶ (عدم حضور تعهد و حضور اکتشاف)، هویت تحمیل شده^۷ (حضور تعهد و عدم حضور اکتشاف) و هویت پراکنده^۸ (عدم حضور تعهد و عدم حضور اکتشاف).

از زمان طرح الگوی پایگاه هویت از سوی مارسیا، الگوهای دیگری مطرح شده‌اند که شوارتز (۲۰۰۱) آنها را به دو دسته تقسیم کرده است: الگوهایی که مکمل نظریه مارسیا هستند و به مفهوم‌پردازی مجدد پرداخته‌اند (برای مثال، برزونسکی، ۱۹۸۹، ۲۰۰۸؛ کرپل من، پیتمن و لامک، ۱۹۹۷) و الگوهایی که نظریه پایگاه هویت را به عنوان یک مؤلفه پذیرفته‌اند ولی از لحاظ گستره و شمول از آن فراتر رفته‌اند (کروکتی، روبینی، لایسکس، میوز، ۲۰۰۸؛ کروکتی، روبینی، میوز، ۲۰۰۸؛ آدامز، ۱۹۹۸).

آنچه در باب هویت از زمان اریکسن تاکنون مطرح

بوده است، نقش عوامل فرهنگی در شکل‌گیری هویت است. تحول هویت رابطه فرد با بافتار فرهنگی وی را منعکس می‌کند. افزون بر اریکسن (۱۹۶۸) صاحب‌نظران دیگری مانند بامیستر (۱۹۸۶)، تریاندیس (۱۹۸۹)، آدامز و مارشال (۱۹۸۹)، کراس و مارکوس (۱۹۹۹)، یودر (۲۰۰۰)، کوته و لوین (۲۰۰۲)، کروگر (۱۹۹۳، ۲۰۰۷)، سولومونتوس - کونتوری و هاری (۲۰۰۸)، گراف، مالیس و مالیس (۲۰۰۸)، نیز بر نقش فرهنگ بر تحول هویت تأکید کرده‌اند.

بنابراین آنچه ضروری به نظر می‌رسد توجه به الگوهای نظری پژوهشگرانی است که به مقیاس‌سازی در زمینه هویت من^۹ پرداخته‌اند:

مارسیا (۱۹۶۶)، با توسل به مصاحبه نیمه ساخت‌دار، افراد را در یکی از پایگاههای هویت قرار داد. قلمروهای مورد آزمون شامل شغل، مذهب، و سیاست بود.

گروتوانت، ثوربک^{۱۰} و مه‌یر^{۱۱} (۱۹۸۲) نقل از آلیسن و شولتز، (۲۰۰۱)، بر این باور بودند که هویت به مؤلفه‌های ایدئولوژیکی یا قلمروهای شغل، مذهب و سیاست محدود نمی‌شود و تعیین فرایند اکتشاف و تعهد در روابط بین شخصی در چهار قلمرو دوستی، روابط با جنس مخالف، نقش جنسی و تفریح ضروری است.

برخی از پژوهشگران (آرچر^{۱۲}، ۱۹۸۲؛ فلوم^{۱۳}، ۱۹۹۴؛ میلان^{۱۴}، ۱۹۷۹) نقل از آلیسن و شولتز، (۲۰۰۱) با انتقاد از کاربرد قلمرو ایدئولوژیکی برای اندازه‌گیری هویت در اوایل دوره نوجوانی، بر اهمیت بررسی هویت در روابط بین شخصی در این برهه از تحول تأکید کردند.

برزونسکی (۱۹۸۹، ۲۰۰۸) براساس الگوی سبک هویت، یک مقیاس خودگزارش‌دهی^{۱۵} یا فهرست سبک هویت^{۱۶} را که مشتمل بر چهار مقیاس است، تدوین کرد. سه مقیاس این فهرست سه سبک هویتی را اندازه‌گیری می‌کنند. مقیاس مستقل چهارم، مقیاس تعهد است.

واترمن، بیسولد، کروک و مانزینی (۱۹۸۷) براساس

1. Bourne, E.

2. status

3. achieved

4. commitment

5. exploration

6. moratorium

7. foreclosed

8. diffused

9. ego identity

10. Thorbecke, W. L.

11. Meyer, M. L.

12. Archer, S. L.

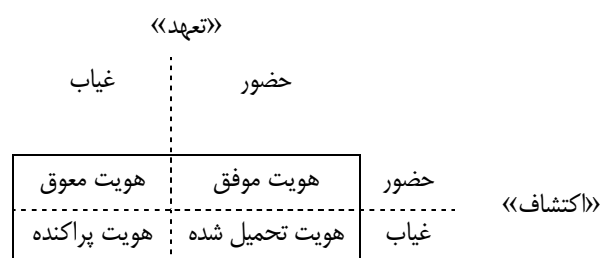
13. Flum, H.

14. Meilman, P. W.

15. self-report

16. Identity Style Inventory

تعریفهای مفهومی مؤلفه‌های مقیاس مذکور ارائه می‌شوند. در الگوی پایگاه هویت من آدامز (۱۹۹۸)، چهار پایگاه هویتی (مبتنی بر روی آورد مارسیا، ۱۹۶۶، ۱۹۷۶، شکل ۱) مشخص شده است: افراد در دو بعد اکتشاف (بالا - پایین)، و تعهد (بالا - پایین) درجه‌بندی می‌شوند: دستیابی به هویت، تعلیق هویت، تحمیل هویت و پراکندگی هویت. آدامز، همچنین هشت قلمرو را که هویت در آن شکل می‌گیرد مشخص می‌کند: دو قلمرو ایدئولوژیکی^۳، (شغل، مذهب، سیاست، سبک زندگی) و دو قلمرو بین‌شخصی^۴، (دوستی، رابطه با جنس مخالف، نقشهای جنسی، تفریح).



شکل ۱. مقوله‌های تعیین پایگاه هویت (بر گرفته از مارسیا، ۱۹۶۶)

هویت موفق، به منزله استقرار احساس منسجمی از هویت است، فردی که واجد هویت موفق است، پس از دوره بحران و آزمایشگری تعهداتی را بر عهده گرفته است.

هویت معوق، به منزله زمان اکتشاف قابل ملاحظه و واریسی شقوق متفاوت آینده‌ای برای خویشتن از خلال چشم‌انداز برخی از تعهدات است. فرد معوق، در قلب دوره بحران و آزمایشگری به سر می‌برد، و تعهدات قطعی برای خود ایجاد نکرده است.

هویت تحمیل شده، به منزله بر عهده گرفتن تعهدات بدون گذراندن دوره بحران آزمایشگری است. فردی که واجد هویت تحمیل شده است، بدون آنکه خود را در فرایند اکتشاف قرار داده باشد، هویت حاضر و آماده‌ای را می‌پذیرد که از سوی چهره‌ای مقتدر (معمولاً والدین و گاهی معلمان یا رهبران مذهبی)، ارائه شده است.

هویت پراکنده، به منزله فقدان نسبی اکتشاف و تعهدات

دو مؤلفه اکتشاف و هویت فهرستی از پرسشها (مصاحبه پایگاه هویت) را در قلمروهای خانوادگی، روابط بین شخصی، تفریح / اوقات فراغت، حرفه، سیاست، و مذهب ارائه کردند.

بالیستری بوش - روسناگل و گیسینگر (۱۹۹۵) یک مقیاس ۳۲ ماده‌ای فراهم کردند (پرسشنامه فرایند هویت من - EIPQ^۱) که افزون بر سنجش ابعاد اکتشاف و تعهد در هشت قلمرو حرفه، سیاست، مذهب، ارزشها، خانواده، دوستی، رابطه با جنس مخالف و نقشهای جنسی، نمره‌های جداگانه‌ای برای اکتشاف هویت و تعهد هویت نیز به دست می‌دهد.

مؤلفان دیگر (آدامز، نیون و هاه، ۱۹۸۹؛ آدامز، ۱۹۹۸)، بر مبنای چهارچوب اریکسنی یک مقیاس (مقیاس عینی پایگاه هویت من؛ OMEIS^۲) برای اندازه‌گیری چهار مقوله دستیابی به هویت، تعلیق، تحمیل هویت و پراکندگی هویت، در سه قلمرو ایدئولوژیکی (شغل، مذهب، و سیاست) ساختند و در نسخه تجدیدنظر شده (OMEIS-2)، قلمروهای بین شخصی (دوستی، رابطه با جنس مخالف، نقشهای جنسی و تفریح) نیز به آن افزوده شد.

رحیمی‌نژاد و احمدی (۱۳۷۴) نقل از رحیمی‌نژاد، (۱۳۷۹) یک پرسشنامه هویت مذهبی با ۶۷ سؤال (۳۲ سؤال: مقیاس هویت مذهبی، ۲۵ سؤال: مقیاس نفی هویت مذهبی و ۱۰ سؤال: مقیاس دروغ‌سنج) و یک مقیاس هویت ملی با ۲۸ سؤال (۱۴ سؤال: هویت ملی، ۱۴ سؤال: نفی هویت ملی) فراهم کردند. کراسکیان موجمبازی (۱۳۸۱) پرسشنامه هویت دینی دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دبیرستان را براساس نظریه مارسیا در هویت‌یابی، تدوین و هنجاریابی کرد. آقاجانی حسین‌آبادی (۱۳۸۱) به هنجاریابی فهرست سبک هویت برزونسکی برای دانشجویان پرداخت. گزارش ارائه شده، حاکی از دقت و اعتبار مطلوب مقیاس در نمونه دانشجویی بود.

با توجه به اینکه، محتوا و ساختار مقیاس هویت من در پژوهش حاضر ملهم از نسخه تجدیدنظر شده مقیاس عینی پایگاه هویت من (آدامز و دیگران، ۱۹۸۹) است،

1. The Ego Identity Process Questionnaire (EIPQ)
2. Objective Measure of Ego Identity Status (OMEIS)

3. ideological domain
4. interpersonal domain

من آدامز (مقیاس عینی پایگاه هویت من، OMEIS-2، آدامز و دیگران، ۱۹۸۹) که مبتنی بر نظریه‌های اریکسن (۱۹۵۹) و مارسیا (۱۹۶۶) در زمینه هویت من (اکتشاف و تعهد) است، طی مراحل زیر طراحی شد.

نخست براساس چهارچوب مفهومی پژوهش، برای اندازه‌گیری چهار مقوله هویت موفق، هویت معوق، هویت تحمیل شده و هویت پراکنده، در پنج قلمرو ایدئولوژیکی (شغل، مذهب، سیاست، سبک زندگی و هویت ملی*) و سه قلمرو بین شخصی** (دوستی، تفریح، رابطه با جنس مخالف و نقش‌های جنسی***)، ساختار اولیه مقیاس مشخص شد. پس از طراحی ساخت اولیه، در گام بعدی، سؤالها یا گزاره‌های مناسب برای واری واری تجربی مؤلفه‌های هویت من، تهیه و در قالب پرسشنامه تنظیم شد: موفق ۱۶ گزاره، معوق ۲۱ گزاره، تحمیل شده ۲۸ گزاره، پراکنده ۲۷ گزاره و در مجموع ۹۲ گزاره.

در جدول ۱ نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با برخی از قلمروهای پایگاه‌های هویت آورده شده است. محدودیت زمانی برای پاسخگویی به مقیاس وجود ندارد و می‌تواند به صورت فردی و گروهی اجرا شود و آزمودنی پاسخ خود به هر گزاره را در یک مقیاس ۶ درجه‌ای تعیین می‌کند.

ثابت و عدم پایداری به ارزشها و هدفهاست. فرد پراکنده، در حالت اکتشاف سرسری و بدون انتظار واقعی تعهد به سر می‌برد و ممکن است که هیچگاه گزینه‌ای را کاوش نکرده باشد و درصد بر عهده گرفتن تعهدی هم نباشد. براساس آنچه بیان شد، هدف اصلی، پژوهش حاضر، دستیابی به یک مقیاس مقدماتی اندازه‌گیری هویت من و بررسی اعتبار و دقت آن است.

روش

۴۴۲ دانشجو (۱۹۳ مرد و ۲۴۹ زن) از دانشجویانی که در سال تحصیلی ۸۵-۸۶ در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب، مشغول به تحصیل بودند، گروه‌های نمونه را تشکیل دادند و براساس دانشکده‌ها (فنی، علوم انسانی، تربیت معلم و مدیریت) و متغیر جنس (مرد و زن)، تفکیک شدند. سپس حداقل حجم مطلوب برای زیر گروهها، تعیین و هر زیر گروه به تصادف انتخاب شد.

ویژگیهای جمعیت‌شناختی گروه نمونه عبارتند از: دامنه سنی: ۱۸ تا ۲۸ سال (میانگین سنی برای دانشجویان مرد ۲۲ سال و برای دانشجویان زن ۲۱ سال) و دامنه رشته تحصیلی: ۲۰ رشته.

مقیاس هویت من (EIM) براساس الگوی پایگاه هویت

جدول ۱.

پایگاه‌های هویت، نمونه‌ای از قلمروهای هویت و گزاره مقیاس

نمونه گزاره	برخی از قلمروهای هویت	پایگاه‌های هویت
دوستیهای مختلفی را تجربه کرده‌ام و اکنون به خوبی آگاهم که از دوست چه می‌خواهم.	دوستی	موفق
در مورد باورهای مذهبی در حال بررسی و مطالعه هستم، اما هنوز بررسی‌هایم به نتیجه قطعی نرسیده‌اند.	مذهبی	معوق
والدینم از پیش برای زمینه شغلی من تصمیم گرفته‌اند و من از برنامه آنها پیروی می‌کنم.	حرفه‌ای	تحمیل شده
به سیاست توجه چندانی نداشته‌ام، و شوق و اهمیتی هم برایم ندارد.	سیاسی	پراکنده

«تحلیل کوچکترین فضا^۱» (SSA) به کار رفت. روش تحلیل کوچکترین فضا، یکی از انواع فنون مقیاس‌سازی چند بعدی^۳ نامتريک^۴ برای تحلیل ساختاری

روی آورد آماری پژوهش. برای برآورد دقت مقیاس، از روش هماهنگی درونی (ضریب آلفای کرونباخ^۱) استفاده شد و به منظور رواسازی مقدماتی پرسشنامه نیز فن

1. Cronbach, L. J.

2. Smallest Space Analysis (SSA)

*** در پژوهش حاضر، رابطه با جنس مخالف و نقش‌های جنسی ادغام شدند.

3. multidimensional scaling

4. nonmetric

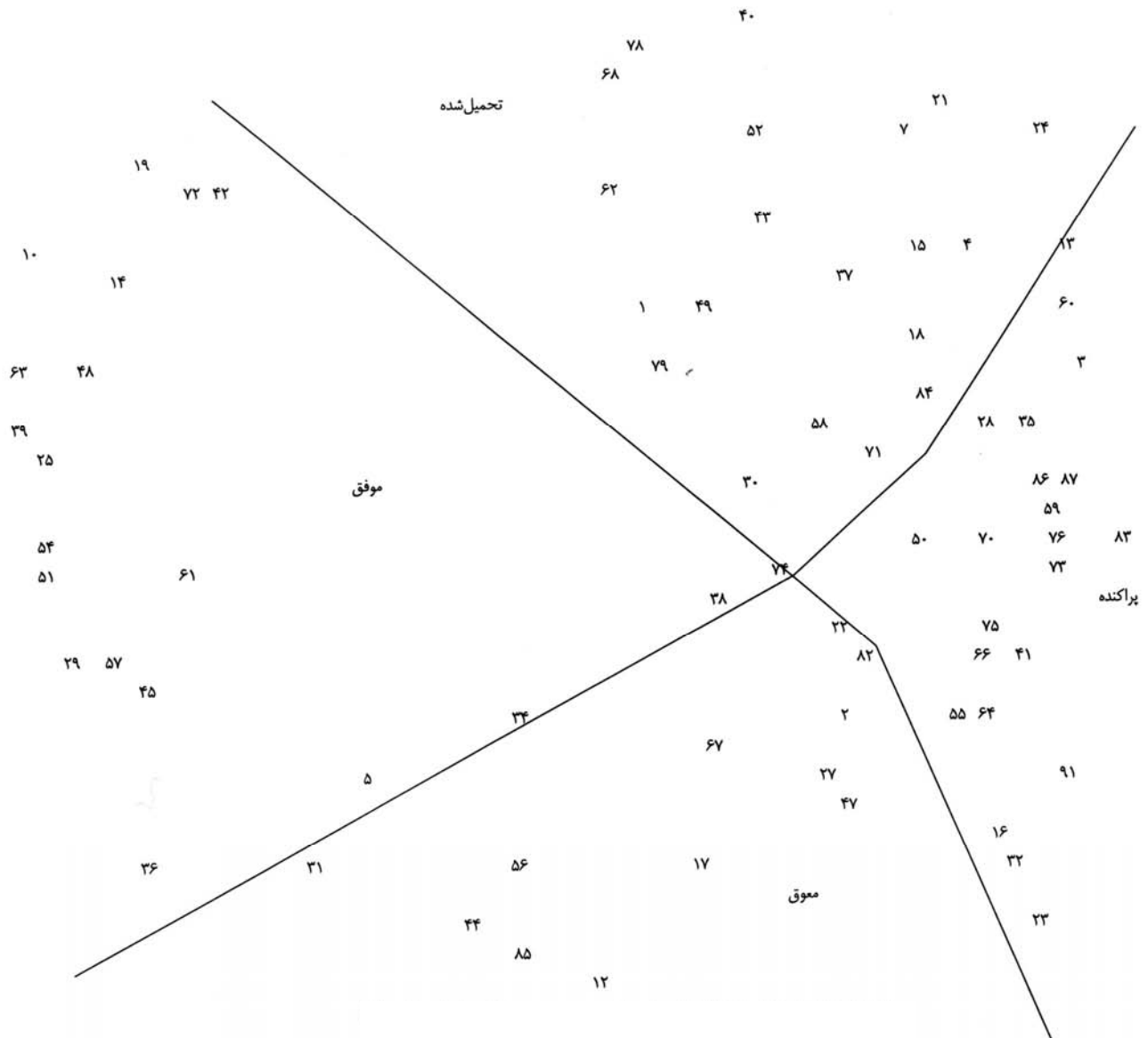
* در پژوهش حاضر، هویت ملی به قلمروهای ایدئولوژیکی افزوده شد.

** برای توضیحات تکمیلی ر. ک. دلخوش و احمدی، ۱۳۸۴

تشکیل‌دهنده پایگاههای هویت موفق و هویت معوق به وضوح متمایز بودند. اما بین نواحی تشکیل‌دهنده پایگاههای هویت تحمیل شده و هویت پراکنده آمیختگی مشاهده شد.

برای ایجاد تمایز یافته‌های دقیق‌تر و ظریف‌تر و نیز برای بازنمایی ترتیب‌بندی و سازمان‌یافتگی پایگاهها، گزاره‌های متداخل حذف شدند.

متغیرها به نمایش در آمده است. در این شکل ترسیم خطوط جداکننده و تخصیص گزاره‌ها به پایگاههای هویت، بر مبنای ملاکهای تصمیم‌گیری در مورد نقطه‌هایی که ناحیه‌های تحدیدشده‌ای را تشکیل می‌دادند، انجام شد. ساختار به دست آمده در SSA برای ۴۴۲ دانشجوی ایرانی، شناسایی هر چهار پایگاه هویت را، که در سطح وسیعی با الگوی نظری مطابقت داشت، امکان‌پذیر کرد. نواحی



شکل ۳. تحلیل کوچکترین فضا از گزاره‌های مقیاس هویت من در دانشجویان (مرحله چهارم)

(معوق ۲ گزاره: ۶۹، ۸۰؛ تحمیل شده ۱۰ گزاره: ۱۱، ۲۶، ۳۳، ۴۶، ۶۵، ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲؛ و پراکنده ۲ گزاره: ۲۶، ۴۶)، فن تحلیل کوچکترین فضا (SSA)، برای دستیابی به همبستگیهای بین متغیرهای ۷۴ گزاره مقیاس

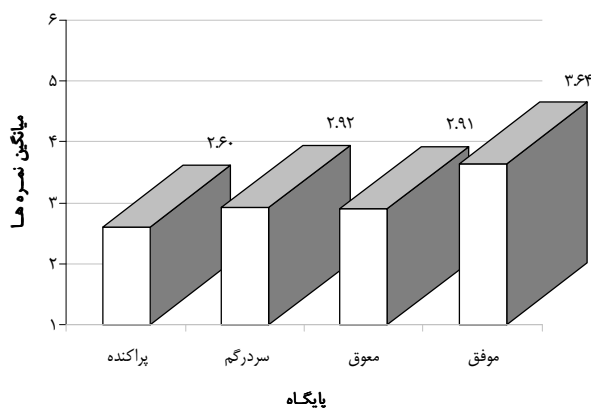
افزون بر این، دستیابی به تمایز یافته‌های دقیق‌تر، با حذف گزاره‌های متداخل، برای بار دوم و سوم فن تحلیل کوچکترین فضا (SSA) براساس همبستگی بین گزاره‌های باقی‌مانده اجرا شد. در نهایت پس از حذف ۱۴ گزاره

خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳.
میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های دانشجویان در چهار پایگاه هویت

مؤلفه‌های هویت من	M	SD
موفق	۳/۶۴	۰/۷۰
معوق	۲/۹۱	۰/۶۳
تحمیل شده	۲/۹۲	۰/۶۵
پراکنده	۲/۶۰	۰/۶۷

در شکل ۴ میانگین چهار پایگاه هویت من برجسته شده است.



شکل ۴. نمودار میانگین نمره‌های آزمودنیها در پایگاههای مقیاس هویت من

۱۶ گزاره هویت موفق، ۱۶ گزاره هویت معوق، ۲۰ گزاره هویت تحمیل شده و ۲۲ گزاره هویت پراکنده)، به اجرا در آمد. شکل ۳ فضای دو بُعدی روابط بین متغیرها را به نمایش گذارده است.

در این شکل ساختار به دست آمده پس از ترسیم خطوط جداکننده و تخصیص گزاره‌ها به پایگاههای هویت، دستیابی به بهترین شکل شناسایی هر چهار پایگاه هویت را امکان پذیر کرد، تمایز آشکار نواحی تشکیل دهنده پایگاههای هویت، ترتیب بندی و سازمان یافتگی پایگاهها و روابط تعارضی بین آنها را مشخص کرد و نشان داد که هیچ گزاره‌ای در نواحی غیر از مکانهای پیش بینی شده ظاهر نشده است. بدین ترتیب، با تحلیلهای انجام شده، ویژگیهای محتوا و ساختار پایگاههای هویت من در نمونه پژوهش، برجسته شد.

به منظور انعکاس ویژگیهای مقیاس نهایی هویت من (گزاره‌های مقیاس از خلال گذار از مراحل اعتباریابی و رواسازی مقدماتی در تدوین نهایی به ۷۴ گزاره تقلیل یافت)، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنیها در ۴ پایگاه هویت آورده شده است (جدول ۳).

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، پایگاه هویت موفق با میانگین ۳/۶۴ بیشترین میزان میانگین و هویت پراکنده با میانگین ۲/۶۰ کمترین میزان میانگین را به

جدول ۵.

میانگین، انحراف استاندارد و تفاوت میانگینهای نمره‌های دانشجویان زن و مرد در چهار پایگاه هویت من (تعداد نمونه: زن: ۲۴۹ نفر - مرد: ۱۹۳ نفر)

پایگاه	مرد		زن		t
	M	SD	M	SD	
موفق	۳/۷۲	۰/۷۲	۳/۵۸	۰/۶۹	۲/۱۷*
معوق	۲/۹۷	۰/۶۱	۲/۸۷	۰/۶۵	۱/۶۵
تحمیل شده	۲/۹۳	۰/۶۵	۲/۹۱	۰/۶۶	۰/۲۵
پراکنده	۲/۶۸	۰/۷۰	۲/۵۴	۰/۶۴	۲/۲۷*

* $P < 0.05$.

متعارض) میانگین نمره‌های مردان به گونه‌ای معنادار بالاتر است.

از آنجا که براساس چهارچوب مفهومی پژوهش، برای اندازه‌گیری چهار پایگاه هویت، پنج قلمرو ایدئولوژیکی و

براساس مقایسه مقادیر میانگین نمره‌های پایگاههای هویت بین زنان و مردان دانشجوی (جدول ۴) مشخص شد که تفاوت دو گروه در پایگاههای هویت چندان برجسته نیست و صرفاً در دو پایگاه موفق و پراکنده (دو پایگاه

بحث و تفسیر

جستجو برای یافتن پاسخ به این پرسش که، «آیا می‌توان به مقیاس روا و معتبری در باب هویت من دست یافت؟» به نتایجی انجامید که استنباط‌های روان‌شناختی زیر را در پی داشت.

• از خلال تحلیل هم‌هنگی درونی مقیاس هویت من (ضرایب آلفا برای ۴ پایگاه از ۰/۷۶ تا ۰/۸۵، پس از حذف ۴ گزاره) مشخص شد که، هر ۴ مؤلفه مقیاس از دقت کافی برخوردارند. به عبارت دیگر الگوی نظری برای تدوین مقیاس (الگوی مارسیا، ۱۹۶۶) در زمینه هویت من (اکتشاف و تعهد) از روایی کافی در فرهنگ ایرانی برخوردار است.

• محتوا و ساختار مقیاس هویت من، پس از ۴ مرحله تحلیل چند بعدی بین گزاره‌های مقیاس (SSA برای ۴۴۲ دانشجوی ایرانی) و حذف ۱۴ گزاره (تقلیل به ۷۴ گزاره) امکان شناسایی هر ۴ پایگاه هویتی را فراهم کرد. ترتیب بندی و سازمان‌یافتگی پایگاه‌های هویتی، روابط تعارضی پایگاه‌های هویتی، یعنی موفق در برابر پراکنده و معوق در برابر تحمیل شده را منعکس کردند، نواحی تشکیل‌دهنده پایگاه‌های هویت را به‌وضوح متمایز ساختند و روایی مقیاس تدوین شده برای اندازه‌گیری هویت من را نشان دادند.

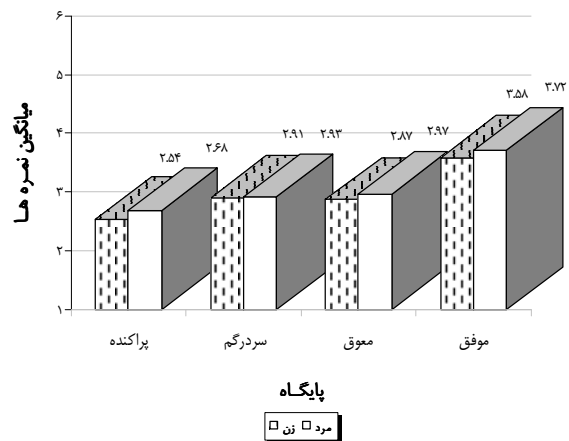
• پایگاه هویت موفق با بیشترین میزان میانگین (۳/۶۴)، در بین پایگاه‌های هویت در حد فاصل «تقریباً در مورد من صادق است» و «تقریباً در مورد من صادق نیست» قرار داشت. بدین ترتیب هویت من ارائه شده نمونه ایرانی در حد بینابین است و فاقد کشیدگی به سمت قطبهاست و تفاوتی از این زاویه بین دو گروه زنان و مردان وجود ندارد.

اهمیت ویژه قلمروهای سیاسی، ملی و حرفه‌ای نیز برجسته شد: قلمرو حرفه‌ای در هویت معوق، قلمرو ملی در هویت تحمیل شده و قلمرو سیاسی در هویت پراکنده بالاترین مقادیر میانگین نمره‌ها را نشان دادند و دشواری جوانان را در احراز هویت در قلمروهای سیاسی، ملی و حرفه‌ای برجسته کردند.

نتایج این پژوهش تنها توانستند یک مقیاس روا و معتبر

سه قلمرو بین شخصی تعیین شده بود، میانگین نمره‌ها در هر پایگاه برحسب هشت قلمرو مذکور به دست آمد (جدول ۵).

در شکل ۵ نمودار تفاوت مقادیر میانگین نمره‌های پایگاه‌های هویت در زنان و مردان نشان داده شده است.



شکل ۵. نمودار میانگین نمره‌های آزمودنیها در پایگاه‌های مقیاس هویت من (به تفکیک جنس)

جدول ۵. میانگین نمره‌های گروه نمونه در پایگاه‌های مقیاس هویت من

	موفق	معوق	تحمیل شده	پراکنده
دوستی	۴/۴۴	۳/۱۱	۲/۲۹	۲/۳۴
سبک زندگی	۳/۹۸	۲/۹۶	۲/۴۳	۲/۵۳
تفریحی	۳/۹۴	۳/۱۱	۲/۷۳	۲/۸۳
دینی	۳/۷۴	۲/۶۰	۳/۲۴	۲/۲۰
حرفه‌ای	۳/۶۹	۳/۴۸	۲/۳۳	۲/۱۸
ملی	۳/۵۶	۲/۴۸	۴/۱۰	۲/۶۰
جنسی	۳/۲۷	۲/۷۴	۲/۶۷	۲/۴۳
سیاسی	۲/۵۰	۲/۸۷	۳/۱۸	۳/۷۴

بررسی قلمروهای شکل‌گیری هویت نشان می‌دهد که بالاترین و پایین‌ترین مقادیر میانگین نمره‌ها در قلمروهای سیاسی، ملی، حرفه‌ای و دوستی است (جدول ۵). قلمرو دوستی در پایگاه موفق بالاترین و قلمرو حرفه‌ای در پایگاه پراکنده پایین‌ترین مقادیر میانگین نمره‌ها را نشان می‌دهند (به ترتیب: $\chi = ۴/۴۴$ و $\chi = ۲/۱۸$).

Allison, B. N., & Schultz, J. B. (2001). Interpersonal identity formation during early adolescence. *Adolescence, 30*, 143, Retrieved July 25, 2005 from Master FILE Premier.

Balistreri, E., Busch-Rossnagel, N. A., & Geisinger, K. F. (1995). Development and preliminary validation of the Ego Identity Process Questionnaire. *Journal of Adolescence, 18*, 172-192.

Baumeister, R. F. (1986). *Identity: Cultural change and the struggle for self*. New York: Oxford University Press.

Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescence Research, 4*, 267-281.

Berzonsky, M. D. (2008). Identity Formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences, 44*, 645-655.

Cote, J. E., & Levine, C. G. (2002). *Identity formation, agency, and culture*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

Crocetti, E., Rubini, M., Luyckx, K., & Meeus, W. (2008). Identity formation in early and middle adolescents from various ethnic groups: From three dimensions to five statuses. *Journal of Youth and Adolescence, 37*, 983-996.

Crocetti, E., Rubini, M., & Meeus, W. (2008). Capturing the dynamics of identity formation in various ethnic groups: Development and validation of a three-dimensional model. *Journal of Adolescence, 31*, 207-222.

Cross, S. E., & Markus, H. R. (1999). The cultural constitution of personality. In Pervin, L.A. and John, O. P. (Eds.), *Handbook of Personality: Theory and research*. The Guilford Press.

Erikson, E. H. (1959). *Identity and the life cycle*.

برای اندازه‌گیری هویت من برحسب مبانی نظری پذیرفته شده به دست دهند و مبانی هنجاریابی ابزاری را که بتواند در مراکز تشخیص روانی به کار برده شود، پی‌ریزی کردند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا برای تسری نتایج، به هنجاریابی آن مبادرت شود، پژوهش‌های مشابهی در گروه‌های متفاوت جوانان انجام پذیرد و با اتخاذ سایر فنون مقیاس‌سازی چند بُعدی نامتریک یا روی‌آورد تحلیل عاملی، به مقایسه یافته‌های منتج از روی‌آوردهای آماری متفاوت، پرداخته شود.

منابع

آقاجانی حسین‌آبادی، م. ح. (۱۳۸۱). هنجاریابی مقدماتی پرسشنامه سبک هویت برای دانشجویان (مقطع کارشناسی) دانشگاه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.

دلخموش، م. ت. و احمدی مبارکه، م. (۱۳۸۴). شناسایی محتوا و ساختار ارزش‌های انسانی در جمعیت نوجوانان ایرانی. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رحیمی‌نژاد، ع. (۱۳۷۹). بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

کراسکیان موجمبازی، آ. (۱۳۸۱). تدوین و هنجاریابی هویت دینی نوجوانان (پایه‌های دوم و سوم دبیرستانهای شهر تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

Adams, G. R. (1998). *Objective measure of ego identity status: A reference manual*. University of Guelph, Guelph, Ontario, Canada.

Adams, G. R., & Marshall, S. K. (1989). A developmental social psychology of identity: Understanding the person in context. *Journal of Adolescence, 19*, 429-442.

Adams, G. R., Bennion, L. D., & Huh, K. (1989). *Objective measure of ego identity status: A reference manual (2nd ed)*. Logan, UT: Utah State University.

5, 145-150. Abstract-PsycINFO.

Marcia, J. E. (1993). *Ego Identity: A handbook for psychological research*. Springer-Verlag New York Inc.

Schwartz, S. J. (2001). The evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian identity theory and research: A review and integration. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 1, 7-58.

Solomontos-Kountouri, O., & Hurry, J. (2008). Political, religious and occupational identity in context: Placing identity status paradigm in context. *Journal of Adolescence*, 31, 241-258.

Steinberg, L. (1999). *Adolescence*. USA: McGraw-Hill College.

Triandis, H. C. (1989). Self and social behavior in differing cultural contexts. *Psychological Review*, 96, 506-520.

Waterman, A. S., Besold, B., Crook, W. P., & Manzini, S. (1987). *Ego identity status scoring manual for adult woman*. Unpublished manuscript available from the first author at the college of New Jersey.

Yoder, A. E. (2000). Barriers to ego identity status formation: A contextual qualification of Marcia's identity status paradigm. *Journal of Adolescence*, 23, 95-106.

NY: International University Press.

Erikson, E. H. (1968). *Identity, youth, and crisis*. NY: Norton.

Graf, S. C., Mullis, R. L. & Mullis, A. K. (2008). Identity formation of United States American and Asian Indian adolescents. *Adolescence*, 43 (169), 57-63.

Guttman, L. (1968). A general nonmetric technique for finding the smallest coordinate space for a configuration of points. *Psychometrica*, 33, 469-506.

Kerpelman, J. L., Pitman, J. F., & Lamke, L. K. (1997). Toward a microprocess perspective on adolescent identity development: An identity control theory approach. *Journal of Adolescent Research*, 4 (12), 325-346.

Kroger, J. (1993). The role of historical context in the identity formation process of late adolescence. *Youth and Society*, 24, 363-376. Abstract-PsycINFO.

Kroger, J. (2007). *Identity development*. Thousand Oaks, CA: Sage.

Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity statuses. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.

Marcia, J. E. (1976). Identity six years after: A follow-up study. *Journal of Youth and Adolescence*,